



مکة

از پیش از نزول تورات تاکنون

مارتین لینگز ترجمه سعید تهرانی نسب



انتشارات حکمت

میراث‌نامه: لینگز، مارتین ۱۹۰۹-۲۰۰۵ م. LINGS, MARTIN

آن و نام پدید آور: مکه از نزول تورات تاکنون

پسینده: مارتین لینگز؛ مترجم: سعید تهرانی نسب

موضوعات نشر: تهران، حکمت، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۷۳ ص. ۱۴/۵ * ۵/۲۱ س. م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۰۸-۲

موضوع: معین فهرست نویسی: قیفا

یادداشت: عنوان اصلی: MECCA: FROM BEFORE GENESIS UNTIL NOW

موضوع: معین تاریخ

موضوع: تاریخ

موضوع: مکه (عربستان سعودی) -- تاریخ

شناسه افزوده: تهرانی نسب، سعید مترجم

رده‌بندی کتابخانه: ۹۲ ل ۹۷۰۷ ۱۰۲۲۴۸

رده‌بندی دیویی: ۹۷۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۶۷

از پیش از نزول تورات تا کنون / نویسنده: مارتین لینگز

ترجمه: سعید تهرانی نسب / طراح گرافیک: استودیو آمارت، سعید علی امامپور
چاپ اول: ۹۵ شمسی - ۱۴۳۷ قمری / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰۰۰ تومان
مجموعه: ۸-۲ / ۹۶۴-۹۷۸ / چاپ، لیتوگرافی و صحافی: چاپ و نشر گیمیای حضور
همچنین روی این اثر بر روی اثر محفوظ است، تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا
قسمتی از آن به هر شیوه از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر)
بدون اجازه مکتوب نامشروع است و پیگرد قانونی دارد.
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، پلاک ۱۰۰، پلاک ۱۰۰، خیابان ابوریحان، شماره ۹۴
تلفن: ۶۶۴۱۵۸۷۹ و ۶۶۴۱۵۸۷۹ / ۰۲۱) ۶۶۴۶۶۶۶ / ۰۲۱) ۶۶۴۶۶۶۶ / ۰۲۱) ۶۶۴۶۶۶۶
۰۲۱۶۶۹۵۰۹۸۷:SMS • WWW.HEKMAT-INS.COM/INFO@HEKMAT.COM



مقدمه مترجم

این کتاب اثری دیگر از نویسنده
مؤخر، شادروان دکتر مارتین لینگز،
یا بیخ ابوبکر سراج الدین است.
برجستگی شخصیت و متفاوت بودن
آثار وی در جهان بایسدهات فکری و
فرهنگی و هنری آن، دنیای معاصر
تولید می‌شود از حانه عشق و
اصالت، تأمل برانگیز و شایان تشریح
و تحلیل است: نویسنده نزدیک به
صدوشش سال پیش در ایالت
لانکاشر در شمال غرب انگلستان زاده
شد. دهه‌های نخستین قرن بیستم

مطابق با دوران طلایی علوم جدید و کیش پیروپنداری مدرنیسم بود (مدرنیسم به معنای خاص و فنی آن که در یک کلام بی‌نیازی عقل این جهانی از دین و عوالم بالاست). در این دوران باور به پیشرفت علمی و توسعه و تفرج تکنولوژی و سیطره کمیت به اوج خود رسیده بود. علاوه بر این، از لحاظ مکانی هم انگلستان، مهد انقلاب صنعتی و برای قرن‌ها، یکی از مهم‌ترین مراکز تولید و اشاعه علوم و فنون نوین به‌شمار می‌رفت. نویسنده در چنین زمانی زاده شد و در چنین فضایی بالید.

از سوی دیگر نویسنده ما، از همان ابتدا دارای توانایی‌های فردی و واجد شرایط، برادگی و اجتماعی لازم برای نیل به مراتب عالی بود و توفیقاتش ادامه دار بود؛ و در مدرسه نخبگان شاگرد ممتاز و موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه آکسفورد شد و با استادانی چون نویسنده و ادیب مشهور انگلیسی، سی. اس. لویس، دوست و مصاحب گشت. اما مهم‌ترین عامل برگزیدگی وی، رسیدن آمدن آثاری همچون کتاب حاضر، فطرت وحدت طلب و تعالی حرمی او بود که در بطن «زَهرة الحیاة الدنیا» — به تعبیر قرآن کریم (ط، ۱۳۱) — به این «غنچه فریای دنیا» رضایت نداد و به امتیازات و امتیازات این جهانی که ذکر کردیم اکتفا نکرد، بلکه به فراسوی آنها بطرف افکند، و در جست‌وجوی قدّوس و متعال کمر همت بست و تا یافتن مقصودش از پای ننشست.

چنان که در روایت او از زندگی خودش آمده، ادراک یک کمبود بسیار اساسی در میان وفور امکانات دنیای مدرن و به‌شدت مادی،

به زمان تحصیلات متوسطه اش برمی گردد. او بر خلاف اکثریت اعضای جامعه عام و خاص کشور انگلستان و دانشگاه آکسفورد، نه تنها دوری جامعه مدرن از خدا و دین، بلکه مذهبها و مجامله های مسیحیت در برابر علوم جدید و استحاله آن در غالب مذاهب متجدد و «اصلاح شده»، از جمله مذهب خانواده خودش، یعنی مذهب «انگلیکنیسم» یا «کلیسای انگستان»، و مخصوصاً تناقض ها و کاسی های جهان بینی غالب را دید و فهمید، ولیکن آنها را برتافت. «مرا به مذهب پروتستان بار آوردند ... این بدان معنا بود که هیچ وقت، چیز درباره اولیا نشنیدم، هیچ چیز درباره عرفان مسیحی فرانکرتن. هیچ چیز درباره ابعاد باطنی دین نمی دانستم. به علاوه، تحصیلاتم سه دهه در دهه ۱۹۲۰، درست پس از جنگ جهانی اول بود، همان دوره شادی رهبران شدید؛ به باور عموم، این آخرین جنگ بود، جنگی برای خاتمه دادن به تمامی جنگ ها، و این باور که همه چیز کامل و بی عیب شده است. به یاد می آورم در آن زمان یکی از سیاستمداران در یک سخنرانی مشهور گفت: «ما اکنون در صبح شکوهمند عالم واقع شده ایم.» امروز چقدر جرات دارد چنین حرفی بزند، اما آن روز همه حرف او را باور می کردند. و باز، در کنار بحث «پیشرفت»، عقیده راسخ به «تکامل» وجود داشت. در مدرسه دو ساعت در هفته تعلیمات دینی داشتیم که در آن داستان آدم و حوا و هبوط انسان را به ما آموزش می دادند. بقیه اوقات «این واقعیت را که علم ثابت کرده»، به زعم خودشان، مرتب در گوش ما می خواندند، که «ما از نسل میمونیم.» و دوره دانشگاه در

حالی تمام شد که من نمی دانستم بالاخره تکلیف دین چیست. اما، به هر حال، دین هیچ چیز برای ارائه به عقل من نداشت. در آن زمان بود که کتاب های رنه گنون را یافتم...».

اولین تأثیر نوشته های گنون بر ذهن مستعد و جست و جوگر لینگز آن بود که وی را نسبت به وجه باطنی دین بیدار کرد و ثانیاً به او آموخت که، برخلاف آموزش هایی که لینگز جوان پیش تر دیده بود، همه ادیان آسمانی از منبع حق نشأت گرفته اند و علی رغم تفاوت های صوری، اجماع و وحدتی بنیادی میان همه ادیان از شرق تا غرب عالم وجود دارد. به تعبیر گنون، ادیان بزرگ عالم همچون نقاط روی محیط یک دایره اند و شعاع هایی که همان را به مرکز دایره وصل می کنند جوانب عرفانی آن ادیان اند که به حق متعال رهنمون می شوند و هرچه طریقه های عرفانی به مرکز یعنی به حق، نزدیک تر شده باشند، به یکدیگر نزدیک ترند (در مورد توجه است که گنون بدون هیچ مسامحه، انشعاب، ادیان ساختگی، فرقه ها، و مذاهب «اصلاح شده» را از این قاعده مستثنی و مردود می شمرد). حتی لینگز از گنون آموخت که داستان آدم و حوا که جهان غرب از طریق روایت مندرج در اولین کتاب عهد عتیق، یعنی «سفر تکوین» یا «کتاب پیدایش»، با آن آشناست، منزلت عالی ازلی انسان، «احسن تقویم»، و نیز داستان هبوط متعاقب آن، همگی در تمامی ادیان در سرتاسر جهان بوده و تا دو سه قرن پیش همه مردم کره زمین به آنها باور داشته اند.